

و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می پرستد پس اگر خبری به او برسد بدان اطمینان یابد و چون بلایی بدو رسد روی برتابد در دنیا و آخرت زیان دیده است این است همان زیان آشکار (۱۱) به جای خدا چیزی را می خواند که نه زبانی به او می رساند و نه سودش می دهد این است همان گمراهی دور و دراز (۱۲)
 «سوره حج»

دیدار سفیر بخش عدلی و قضایی ایالات متحده امریکا با معین مسلکی و سرپرست وزارت عدلیه



گزارش گر: شفیق الله نیسی

روز شنبه مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۵ هـ.س جی کلیم سفیر بخش عدلی و قضایی ایالات متحده امریکا با قانونپوه داکتر محمد قاسم هاشمی معین مسلکی و سرپرست وزارت عدلیه در دفتر کارش دیدار و گفتگو نموده و از سرپرست وزارت عدلیه در مورد پروسه و چگونگی انتقال محابس و توقیفخانه ها از وزارت عدلیه به وزارت امور داخله و همچنان تعدیل قانون و مقرر

حد حرابت (قطاع الطریقی)

فیضی آله خواجه

مقدمه :
 در شریعت اسلام جرایم حدود را به هفت نوع تقسیم بندی نموده اند که از آنجمله یکی هم حد حرابت یا قطاع الطریقی میباشد.

درین مقاله سعی میشود تا موضوعات مربوط به جریمه حرابت را بطور مختصر خدمت خوانندگان محترم دو هفته نامه آگاهی حقوقی تحریر نمایم.
 کلمه حرابت از واژه حرب آمده که معنای جنگ را می دهد.

گروهی که برضد مردم و جامعه دست به جنگ و قطاع الطریقی زده نظم و امن جامعه را خلاف دستاویز اسلام برهم می زنند ازین جهت این جرم را در شریعت بنام حرابت یاد نموده اند.

تعریف حرابت :

حرابت عبارت از خروج یک فرد یا یک گروه خواه مسلمان باشند یا غیر مسلمان (ذمی، حربی) در جامعه اسلامی به هدف ایجاد هرج و مرج، قتل، اخذ اموال مردم، ازبین بردن کشت و مواصلاتی مردم.

حرابت (قطاع الطریقی) از نظر شریعت اسلام از جمله گناهان کبیره و از جمله جرایم خطرناک دانسته شده سنگین ترین مجازات را برای مرتکبین جریمه حرابت و راهزنی تعیین نموده است.

چنانچه خداوند (ج) در سوره المایده آیه ۳۳ میفرماید: (سزائی کسانیکه با دوست داران خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بدار آویخته شوند و یا دست

تاثیرات روانی مواد



محمد رضا فخری

از آنجایی که مواد مخدر مصیبتی است که میلیونها زندگی را ویران و سرمایه های کلان ملی صرف مبارزه و یا جبران صدمات ناشی از آن می شود. مواد مخدر یک چالش بزرگی است که هر روز به تعدد معتادین افزوده شده و بر شمار قربانیان مواد اعتیاد آور افزوده می شود و عوارض آن که شامل بیماریهای جسمی و روانی

خانوادگی

فرهنگی

اقتصادی و اجتماعی می باشد، همه مرزها را شکستانده و سلامت انسان را مورد تهدید قرار می دهد. دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور استعمال آنرا بنابر اضرار دینی، اجتماعی، اقتصادی و صحتی منع قرار داده است. شریعت اسلام تمام مواد مخدر، مسکره یا نیشه آور را حرام قرار داده است. از امام بخاری (رح) و مسلم روایت شده که رسول خدا (ص) فرمودند: «کل مسکر حرام» هر مسکر حرام است. با در نظر داشت فرموده پیامبر اسلام (ص) هر ماده نیشه آور به هر طریقه که (دود کردن، زرق کردن، خوردن و نوشیدن) مورد استعمال قرار گیرد که سبب پوشانیدن و اختلال عقل انسان شود شریعت اسلام آنرا حرام دانسته و مرتکبین آنرا مستوجب مجازات دنیوی و اخروی می داند... ادامه در ص/۳

عقد عاریت



عاریت عبارت از عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین به طرف دیگر، اجازه می دهد که از عین مال وی بصورت رایگان برای مدت زمان معین استفاده نماید. یعنی اذن انتفاع را به او داده و بعد از سپری شدن موعده مقرر مال مزبور دوباره به صاحبش اعاده گردد.

ماده ۱۴۵۶ قانون مدنی در زمینه چنین صراحت دارد: "عاریت عبارت است از تعهد عاریت دهنده به تسلیم منفعت عین به عاریت گیرنده بدون عوض، برای مدت معین یا غرض معین، به این شرط که بعد از استعمال آنرا اعاده نماید." ... ادامه در ص/۲

معاملات تجارتي

کلالی سنگرخیل عزیزى

از این که فعالیت های تجارتي پیهم در حال توسعه و تحول است و عملیات تجارتي جدید به وجود می آید که در زمان تدوین قوانین تجارتي پیشینی آن امکان پذیر نیست. بن آ دانشمندان حقوق تجارتي جهت تشخیص عملیات تجارتي تعریف کلی از معاملات تجارتي را ارایه داشته اند، تا معاملات غیر تجارتي تفکیک نمایند. مواد ۱۴ و ۱۵ اصولنامه تجارتي معاملات تجارتي را چنین تعریف نموده است: "اشخاص تاجر یا غیر تاجر که اموال منقول را به قصد فروش یا اجاره دادن به دیگران خریداری می نمایند و آن اموال منقول را به حالت اصلی آن و یا به شکل دیگری تبدیل کرده بفروشند، یا اجاره بدهند، این فروش و اجاره از جمله معاملات تجارتي محسوب می شود. یا این که اشخاص تاجر و غیر تاجر که اموال منقول را به نیت اجاره دادن به کسی به اجاره بگیرند، اجاره گرفتن و اجاره دادن چنین اموال منقول از جمله معاملات تجارتي محسوب می شود." علاوه بر این فقره دوم ماده دوم مقرر خرید و فروش مال التجاره معاملات تجارتي را چنین تعریف نموده است:

"معاملات تجارتي، عمل خرید و یا فروش مال التجاره به قصد کسب مفاد عادلانه به صورت عمده یا پرچون می باشد."

از تعریف مذکور استنباط می گردد که معاملات تجارتي به صورت خاص عبارت است از: خرید اشیای منقول به مقصد فروش به منظور کسب منفعت و یا اجاره گرفتن اشیای منقول به منظور اجاره دادن به شخص دیگری. بادر نظر داشت تعاریف فوق معاملات تجارتي دارای شرایط ذیل می باشد: ... ادامه در ص/۲

عقد عاری... .

وجایب عاریت دهنده:

نظر به مندرجات ماده ۱۴۵۹ قانون مدنی عاریت دهنده مکلف است عین عاریت داده شده را به همان حالت هنگام عقد به عاریت گیرنده تسلیم و آنرا درطول مدت عاریت به اختیار وی بگذارد.

با توجه به ماده ۱۴۶۰ قانون مدنی می توان گفت که عاریت دهنده مکلف است، مصارفی را که عاریت گیرنده جهت نجات عین عاریت داده شده از هلاک و ضیاع نموده است، تادیه نماید.

جمعی از علمای علم حقوق بر این عقیده اند که اگر مالی عاریت داده شده در اثر استعمال عاریت گیرنده بدون تقصیر او ناقص یا تلف گردد نسبت به فرسودگی و نقصی که از این ناحیه ایجاد می گردد نباید عاریت گیرنده را ضامن محسوب کرد چونکه مبنای عاریت دادن اجازه در انتفاع از مال می باشد طبعاً فرسودگی و کهنگی لازم انتفاع از مال است. در این صورت اگر استعمال در محدوده اذن انجام گرفته باشد هیچ ضمانتی برای عاریت گیرنده به بار نمی آورد.

ولی گروهی از فقیهان را عقیده این است که اگر شرط ضمان در عاریت نشده باشد، تلف مورد عاریت به عهده عاریت گیرنده نمی .

باشد هکذا ماده ۱۴۶۱ قانون مدنی درمورد استحقاق فرد دیگر و عیوب مخفی درمال عاریت داده شده چنین تصریح می دارد:

"عاریت دهنده از استحقاق برده شدن شی عاریت داده شده، ضامن نمی باشد مگر اینکه سبب استحقاق را عمدآ مخفی نموده یا به اساس موافقه خاصی تضمین را قبول نموده باشد.

عاریت دهنده ضامن عیوب مخفی نمی باشد، مگر اینکه عیب را عمدآ مخفی کرده یا سلامت شی را تضمین نموده باشد. ... ادامه در شماره بعدی

همچین قاموس اصطلاحات حقوقی عاریت را قرار ذیل تعریف نموده است:

عاریت عبارت است از عقدی که به موجب آن یک طرف عقد به جانب مقابل اجازه می دهد، تا از عین مال مجاناً منتفع شود مشروط بر اینکه انتفاع از مال با بقای آن مقدور باشد.

در عاریت، عاریت گیرنده متعهد است که از مال مورد عاریت خوب حفاظت و نگهداری نموده و آنرا در موعد معینه و یا به درخواست عاریت دهنده به وی باز گرداند .

ازطرفی هم، زمان شروع و اتمام انتفاع از مال مورد عاریت بستگی به توافق دو طرف دارد.

به همین دلیل عاریت عقدی جایز شمرده شده است. ولی آنچه که درعاریت مهم تلقی شده است از موارد آتی می توان نامبرد:

۱- اجازه انتفاع رایگان از مال غیر بوده و بعد از اتمام موعد معینه و یا در خواست عاریت دهنده اعاده مال به صاحبش می باشد.

چنانکه ماده ۱۴۵۷ قانون مدنی درمورد چنین تصریح نموده است:

" شرط صحت عاریت این است که قابلیت استفاده از شی عاریت داده شده با بقای عین آن ممکن باشد."

۲- در عاریت عین مال از تملیک عاریت دهنده خارج نشده و در مالکیت عاریت گیرنده قرار نمی گیرد. زیرا ماده ۱۴۵۸ قانون مدنی احکام ذیل را در زمینه پیشبینی نموده است:

"عین عاریت داده شده از ملکیت عاریت دهنده خارج نمی گردد."

معاملات تجا... .

شرط خرید اشیاء، شرط فروش اشیاء، شرط کسب منفعت، شرط منقول بودن شی و تداوم و استمرار در معاملات.

۱- شرط خرید اشیاء:

طبق ماده ۱۴ اصول نامه تجارت، برای این که یک معامله تجاری پنداشته شود باید شی منقول که به فروش می رسد قبلاً خریداری شده باشد در غیر آن معامله تجاری محسوب نخواهد شد . به همین اساس طبق ماده ۱۸ اصول نامه تجارت اگر صاحب زمین و یا دهقانی محصولات زراعتی خود را به وسیله یک دستگاه صنعتی تغییر شکل بدهد و یا یک صنعت کار، خودش و یا توسط مستخدمان آثار صنعتی را که خود تولید کرده است، به فروش برساند و یا این که یک مولف اثر تالیف شده خود را خودش منتشر و به فروش برساند، همه این ها از امور عادی محسوب می گردد زیرا شی قبلاً خریداری نشده، بلکه خودش (صاحب مال یا اثر) آن را تولید کرده است، اما اگر این عمل را به شکل مداوم موسسه شغل و پیشه خود سازد در این صورت اعمال فوق الذکر تجاری محسوب می گردد.

۲- شرط فروش اشیاء:

برای این که یک معامله تجاری پنداشته شود، شی خریداری شده باید قبلاً به مقصد فروش تهیه شده باشد در غیر آن معامله تجاری نخواهد بود، معامله مذکوریک معامله مدنی محسوب شده تحت احکام قانون مدنی مطالعه می شود.

مثلاً یک شخص مقدار برنج را جهت مصرف خانه خریداری می کند اما بعداً بنا بر مشکلات اقتصادی، برنج خریداری شده را به فروش می رساند، این معامله تجاری شده نمیتواند زیرا که در هنگام خریداری هدف از فروش آن نبوده بلکه در هنگام خریداری هدف از آن تکافو نیاز فامیلی اش بود، با آن که یک مقدار از آن را به فروش رسانیده است. به هر صورت برای این که یک معامله تجاری محسوب شود باید شخص در زمان خریداری قصد فروش آنرا داشته باشد پس دیده می شود که بنا بر شروط متذکره خرید و فروش به اعمال تجاری تابع، بیشتر صدق می کند نه معاملات تجاری اصلی. طوری که دیده می شود اعمال تجاری اصلی تابع شخص نه بوده بلکه اعمال مذکور ذاتاً تجاری می باشد اگر چه قصد خرید و فروش نزد عامل وجود داشته باشد یا خیر؟

شرط خرید برای فروش موجب می شود که بیشتر فعالیت ها از قلمرو اعمال تجاری خارج شود مانند فروش محصولات زراعتی توسط زارعین که تولید کننده اند نه خریدار و یاسایر مواد زیر زمینی و یا حاصل ابداعات (نوآوری) فکری مثل حق اختراع مخترع و غیره.

۳- شرط کسب منفعت :

مطابق قوانین تجاری تعداد زیادی از کشورها به خصوص فرانسه معامله خرید و فروش باید به منظور کسب منفعت صورت بگیرد. در اینجا هدف سود و زیان است نه صرفاً سود مثبت. هرگاه شخصی شی را خریداری می نماید و آن شی کاملاً فاسد می گردد و یا این که شی خریداری شده به عوض منفعت سبب ضرر می شود با آن هم معامله ای که صورت گرفته است تجاری می باشد. زیرا منظور و قصد در هنگام خرید این بود که از فروش آن منفعتی حاصل شود و در عین زمان خطر زیان آن را هم قبول کرده است. همچنان برعکس مسئله، اگر هنگام خرید اشیای منقول هدف کسب منفعت و قبول زیان نباشد، با وجودی که بعداً آن اشیاء بنا بر اهداف مختلفی به فروش برسد و از این فروش سود زیادی هم بدست آید این معامله تجاری نبوده بلکه یک معامله عادی به حساب می رود ادامه در شماره بعدی

حد حرابت (قطاع الطر... .

شرایط مربوط به مقطوع له (مال) :

۱ - مقطوع له باید مال متقوم باشد .
۲ - مقطوع له باید مال معصوم باشد .
۳ - در مقطوع له حق اخذ برای کسی نباشد .

۴ - ملکیت قاطع در مقطوع له نباشد .
۵ - تاویل ملکیت قاطع در مقطوع له نباشد .

۶- شبهه ملکیت قاطع در مقطوع له نباشد .
۷ - تاویل اخذ برای کسی در مقطوع له نباشد .

۸- مقطوع له باید به نصاب رسیده باشد یعنی برای هر یکی از محاربین ده درهم یا معادل ده درهم رسیده باشد .

شرایط مربوط به مقطوع فیه (مکان)

۱ - جرم حرابت باید در دار اسلام باشد یعنی در جامعه اسلامی رخ داده باشد اگر در دار حرب یعنی در مملکت غیر اسلامی باشد شرایط حد حرابت تطبیق نمیشود .

۲ - جریمه حرابت باید خارج از شهر صورت گرفته باشد : زیرا این جرم قطع الطریق یعنی قطع راه نامیده می شود. در شهر قطع راه امکان ندارد . اما فقهای مذاهب مختلف اسلامی در زمینه اختلاف زیاد دارند که با مراجعه به کتب فقهی حل خواهد شد .

۳ - بین قطاع الطریقی و شهر باید مسافه سفر باشد . البته موجودیت این شرط از نظر امام محمد و امام ابو حنیفه ضروری است اما امام ابو یوسف ضروری نمیداند .

طرق اثبات جریمه حرابت :

الف - اقرار . جریمه حرابت یا قطاع الطریقی بواسطه اقرار محاربین در پیشگاه محکمه ثابت میشود . تعداد از فقهای اسلامی تکرار اقرار را در پیشگاه محکمه ضروری و تعداد دیگر از فقهای اسلامی یکمرتبه اقرار را برای اثبات جریمه حرابت کافی می دانند .

ب - شهادت . جریمه حرابت یا قطاع الطریقی با ادای شهادت از طرف دو نفر کافی است ، خواه شاهد از جمله کسانی باشد که در مقابل محاربین جنگیده یا کسانی باشند که

شرایط مربوط به قاطع (رهزن) :

۱- مکلف بودن
۲- مذکر بودن
۳- مسلح بودن
۴- آشکارا بودن

الف - مکلف بودن:

به این معنی که قاطع عاقل و بالغ باشد اگر قاطع دیوانه و صغیر باشد شرایط حد بالای تطبیق نمیشود .

ب- مذکر بودن: یعنی مرد باشد زیرا زنان نظر به ساختمان فیزیکی شان توانایی اجرای جرم حرابت (قطاع الطریقی) را ندارند .

ج - مسلح بودن :
کسیکه جرم حرابت را مرتکب شده مسلح باشد .

د - آشکارا بودن :

جرم حرابت باید آشکارا ارتکاب شود اگر خفیه صورت گیرد مرتکبین آن دزدان اند نه قطاع الطریقان .

فقها در رابط به تطبیق شرایط حد در هر چهار مورد فوق اختلاف نظر دارند مثلاً اگر قاطع مکلف نه بلکه غیر مکلف مرتکب جرم حرابت شوند یا اگر مذکر همراهی مونث مرتکب جرم حرابت شوند حد بالایشان تطبیق شود یا خیر؟

یا اگر قطاع الطریقان با سلاح نه بلکه با دیگر اشیاء مانند چوب، تبر، سنگ یا دیگر اشیاء دست به جرم حرابت بزنند آیا حد بالایشان تطبیق شود یا خیر؟

خوانندگان محترم جریده میتوانند با مراجعه به کتب فقهی در رابط به موضوعات فوق معلومات بیشتر بدست آورند .

شرایط مقطوع علیه (مجنی علیه)

۱ - مجنی علیه باید مسلمان یا ذمی باشد: اگر مجنی علیه حربی مستامن باشد حد بر او تطبیق نخواهد شد. زیرا مال مستامن خالی از شبهه نمیشود .

۲ - ید مجنی علیه در مال باید ید صحیحه باشد . یعنی مجنی علیه در مال ید ملکیت، ید امانت یا ید ضمانت داشته در غیر آن حد حرابت یا قطاع الطریقی بروی قابل تطبیق نخواهد بود

البته در رابط به تطبیق جزای ذکرشده فوق الذکر علمای مذاهب مختلفه اسلامی نظریات متفاوت دارند اما درین بحث کوشش منماینم تا در پهلوی نظریات علمای مذہبی موقف قانون جزارا توام بآن تحریر بدارم .

از نظر فقهای حنفی کسیکه قتل کرد ولی مال را اخذ نکرد ه بود قتل کرده میشود . این موضوع در فقره ۲ ماده (۴۴۷) قانون جزا چنین آمد ه « اگر در جرم راهزنی شرایط اقامه حد تکمیل نگردد و یا به نحوی از انجا جزای محکوم بها ی حد ساقط شود مرتکب مطابق به احکام مندرج این فصل تعزیراً مجازات می گردد .»

ومطابق ماده (۴۴۹) قانون جزا « رهن قاتل به اعدام محکوم می گردد .»

از نظر علمای حنفی کسیکه مال را اخذ کرده ولی قتل نکرده بود دست وپایش بر خلاف قطع می شود . این موضوع در ماده (۴۵۱) قانون جزا چنین صراحت دارد : « راهزنیکه مال غیر را گرفته باشد به حبس طویل محکوم می گردد .» همچنان علمای مذهب مذکور اضافه

میدارند کسیکه خوف ایجاد کرده و مردم را تهدید کرده ولی نه مال را گرفته ونه مرتکب قتل شده تبعید کرده می شود . این موضوع در ماده (۴۵۰) قانون جزا به این شرح ذکر شده که «راهزنیکه عابرین را تخویف نماید به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد .»

البته قبلاً هم تذکر داده شد جزای پیش بینی شده قانون جزا در صورت تطبیق می گردد که شرایط حد تکمیل نشود در صورت که شرایط حد تکمیل گردد نظر فقها قابل تطبیق خواهد بود مسقطات حد حرابت (قطاع الطریقی) حد قطاع الطریقی به امور ذیل ساقط میشود :

۱ - هر گاه مجنی علیه محارب را در اقرارش تکذیب نماید .

۲ - محارب از اقرار خود راجع به ارتکاب جرم حرابت رجوع نماید .

۳- مجنی علیه گواهان را مبنی بر اینکه او متضرر گردیده است تکذیب نماید .

۴ - از نظر علمای حنفی محارب از رفع دعوی

تأثيرات روانی مواد ...

اکستاسی:

اکستاسی داروهای محرک دستگاه عصبی است که خاصیت توهم زایی نیز دارند.اکستاسی- تابلیت شادی- تابلیت X – تابلیت انرژی زا از دیگر نام های این دسته از مواد هستند.اکستاسی اعتیاد جسمانی به همراه ندارد و فقط وابستگی روانی همراه دارد ولی بسیاری از سودجویان برای تداوم مصرف قربانیان خود بغلط این نکته را به افراد یاد آور می شوند که مصرف مرفین (مخدرها) همراه با اکستازی باعث می شود مرفین اثر بهتری داشته باشد که همین امر باعث ایجاد وابستگی جسمی و اعتیاد فرد به مواد مخدر هم می شود.عارضه تحمل دارویی در مصرف این مواد وجود دارد یعنی فرد در دفعات مصرف بعدی باید از دوز بالاتری استفاده نماید.

هروئین:

در سال ۱۸۹۸ از کلمه یونانی هیروس به معنای مرد قهرمان گرفته شده است. سفید مایل به کرم است و طعم تلخی دارد که بعد از مدتی نگهداری بوی سرکه و ترشی می دهد. استفاده از هروئین باعث اعتیاد خیلی سریع درفرد می شود.

شیشه:

نام اصلی این مواد آیس به معنای یخ می باشد. دلیل اصلی نام گذاری این مواد این است که چون در مجاورت حرارت قرار می گیرند همانند یخ بخار می شوند. شیشه در رده آمفتامین ها است و خاصیت محرکی دارد. نکته مهم در مورد شیشه این است که شیشه باخطر ترکیب شیمیایی پیچیده ای که دارد می تواند اثر مخدرها را طولانی تر کند و فرد بعد از مدتی که از مصرفش گذشت شدیدا به مواد مخدر

همچنان قوانین نافذه کشور ما استعمال آنرا منع قرار داده و به مرتکبین آن جزا تعین نموده است. چنانچه قانون جزاء در مورد استعمال مواد مخدر و مسکر در ماده (۳۴۹) خویش تصریح نموده است:« شخصی که مواد مخدر یا مسکر را استعمال نماید به حبس سه ماه الی شش ماه یا جزای نقدی سه هزار الی شش هزار افغانی یا به هر دو جزء محکوم می گردد، مگر اینکه در قانون طوری دیگری حکم شده باشد.»

علاؤا در ماده(۲۵۰) این قانون در مورد کار برد جبر و اکراه جهت وادار ساختن شخص دیگر به استعمال مواد مخدر و مسکره صراحت دارد: « شخصی که به جبر و اکراه شخص دیگر را با استعمال مواد مخدر و یا مسکره وادار سازد، به حبس قصیری که سه ماه کمتر نباشد با جزای که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.»

حال که دیدگاه شریعت و قانون را در مورد مواد مخدر دانستیم باید بدانیم که مواد مخدر چیست؟ مواد مخدر به تمامی ترکیبات شیمیایی گفته می شود که مصرف آنها باعث دگرگونی در سطح هوشیاری مغز شود. مثل حالت سرخوشی و لذت، خواب آلودگی و سستی در بدن گردد.

مواد مخدر و نیشه آور انواع مختلف دارد در این مقاله به معرفی چند نوع خطرناک آن می پردازیم.

اقسام مال:

۱ – **مال متقوم:**

۲ مال متقوم عبارت است از آنچه که با فعل درتصرف قرار گرفته بتواند . مثل عقارات(زمین ،دوکان ،خانه، اپارتمان وغیره) ومنقولات موتز، الماری، قالین، گاو وگوسفندوغیره) و سایراموالی که بالفعل قابل تصرف باشد.

۲- مال غیرمتقوم:

مال غیر متقوم عبارت است ازآنچه که انتفاع آن شرعاً مباح نباشد . مثل ماهی درآب، پرنده درهوا، معادن دربطن زمین .همچنان شراب وخنزیر برای مسلمان غیرمتقوم اند. پس انتفاع از آن برای مسلمان اباحت نداشته حرام می باشد. مگردرحالت اضطرار به قدری که دفع هلاکت را بارآورد مباح می گردد. اما نسبت آن برای غیرمسلم نزد فقهاء حنفی مال متقوم می باشد.

اما نزد اهل قانون، تقوم آنچه که نزد مردم ذی قیمت باشد. وعدم تقوم خروج اشیاء ازتعامل مردم است. این خروج اگر ازیک طرف به اساس حکم قانون صورت گرفته از طرفدیگر طبیعتاً هم بوده می تواند مثل مخدرات ممنوعه، مواد منفجره جنگی، تمام ملکیت دولت و ملکیت های عامه ایکه به حکم قانون ازتعامل ومبا دلات دربین مردم خارج می باشد. خروج طبیعی اشتراک عموم مردم را درانتفاع ازآن دربر داشته وکسی نمی تواند آن را درتصرف شخصی خود درآورد مثل نورآفتاب، هوا وغیره

۳- مال عقار:

ازنظرفقهاء نقل وانتقال مال عقار از مکانی به مکان دیگر ممکن نمی باشد .مانند: زمین، خانه، درخت وزراعت(تا وقتی که قابل استفاده نشده باشد عقار محسوب نمی گردند) مگردرصورت فروش زمین موارد فوق درعقار بالتبع شامل می گردند. عقارعبارت ازآن ملکی است که پایداربوده برزیربنای خود استواراست مانند حویلی، زمین، درخت وغیره. ازهمین سبب اگردرخت، بنا وزراعت را به تنهای بفروش برسد حکم عقار برآنها تطبیق نگردیده، منقول محسوب می شوند. عقاردرماده ۴۷۸ قانون مدنی چنین تعریف شده است: " عقاراشیاییست که دارای اصل ثابت بوده وحمل ونقل

مال واقسام ...

۶ – مال قیمی:

عبارت از مالی است که درعرف، همان مال منظور باشد، وتوان مال دیگری به جای آن قرار داد. پس اگرآن مال تلف شود، تسلیم موضوع عقدی که سبب انتقال آن قرار گرفته است مقدر نیست ونا چار عقد منحل می شود. اصطلاح قیمی، بدین اعتبار است که درصورت تلف مال باید قیمت آن پرداخته شود. یا به عبارت دیگرمال قیمی آن است که دربازارها مثل ومانند نداشته باشد ویا اگر مثل و مانند در بازار داشته باشد ولی دربین افراد آن تفاوت قیمت ملاحظه گردد مال قیمی است. مثل افراد حیوان،اراضی،خانه ها،درخت ها،انواع قالین ها وغیره.

۷ – مال استهلاکی:

عبارت از مالی است که انتفاع ازآن ممکن نیست مگر به استهلاک عین آن مانند طعام، شراب وغیره . فقره (۱) ماده ۴۷۷قانون مدنی مال استهلاکی را چنین تعریف کرده است:" (۱) اشیای استهلاکی آنست که انتفاع ازآن بدون استهلاک ممکن نباشد."

۸ – مال استعمالی:

عبارت از مالی است که انتفاع از آن همراه با بقاء عین آن ممکن باشد.مانند عقارات،مفروشات، لباس،کتب وغیره. بند دوم ماده ۴۷۷ قانون مدنی چنین تعریف کرده است:" (۲) اشیای استعما لی آنست که با انتفاع مکرر، عین آن باقی بماند." طوری که خواننده آمدیم مال به اشیای خطاب می شود که قابلیت تصرف وتملک را شرعاً وقانوناً داشته باشد بنا اشیای که تصرف آن نا ممکن باشد ما ل گفته نمی شود یعنی ماهی های در ابچار ، اکسیجن در هوا ، پرنده های وحشی در حالت پرواز، شراب وخناذیر که تصرف وتملک آن شرعاً جواز ندارد، مال گفته نمی توانیم زیرا امکان تصرف وتملک به آنها ناممکن ویا شرعاً اجازه تصرف تملک به آنها دا ده نشده است .

طلاق څه ته ...

د دا ډول کلماتو استعمالول په عرف کي د طلاق مفهوم لري د دا کلماتو استعمال د صريح طلاق شمارل کيږي البته په صريح لفظ سره طلاق رجعي حکم لري .

کنايه طلاق :

دهغه الفاظو د استعمال څخه عبارت ده چي په طلاق کي استعماليږي. مثلاً سړي خپلي ښځي ته ووايي چي خپل (رحم پاک کړه، د خپل پلار کورته لاړه شه يا ته ازاده ئي) پورتنې برخوکي طلاق هغه وخت ثابتيږي چي سړي د طلاق اراده او نيت ولري.که سړي د طلاق اراده او نيت ونلري د دغه کلماتو په کارولو سره ښځه نه طلاقيږي.د مدني قانون په ۱۳۹ ماده کي راغلي .

۱- ميره کولاي شي چه خپله ښځه په شفوي يا ليکلي توگه طلاقه کي، که ميره دا دواړه وسيلي ونه لري نو طلاق په معمولو اثاروچه په صراحت سره د طلاق معني افاده کي، صورت نيولي شي .

۲- طلاق په صريحو لفظونو سره چه په عرف کښي د طلاق معني افاده کي، بي له نيټه واقع کيږي .

د رجوع او دنه رجوع په لحاظ د طلاق برخي :

۱- رجعي طلاق، د هغه طلاق څخه عبارت ده چي سړي کولاي شي د عدت په مودي کي خپلي ښځي ته رجوع وکړي دا پداسي حال کي چي د طلاق د باين طلاق تر شرايطو لاندي نه وي واقع شوي وي .

باين طلاق : د هغه طلاق څخه عبارت ده چي سړي د باين طلاق په وخت کي پلي ښځي ته رجوع نشي کولاي او رجوع کول جواز نلري .

د مدني قانون په ۱۴۶ ماده کي ټول طلاقونه رجعي طلاق او لاندي طلاقونه باين طلاق بنودلي شوي دي .

طلاق په عمومي صورت رجعي او په لانډنيو مواردو کښي باين وي :

دريم طلاق د دخول څخه تر مخه طلاق . طلاق د يوشي په عوض هغه طلاق چه په دي قانون کښي د باين په لفظ ذکر شوي

Agahi Hoquqi

Publication organ for ministry of justice

سال پنجم * شماره ۸۱ * ۱۵ اسد ۱۳۹۰ * ۲۰۱۱ * ۶- August

مال

عبدالرحمن عظیمی

مال، عبارت است از عین و یا حقیقه نزد مردم قیمت مادی داشته باشد.

همچنان در مورد اثبات حقیقه حقوق مالی بر آنها مرتب می گردد ماده ۴۷۳ قانون مدنی چنین صراحت می دارد:

" اثبات حقیقه به مقتضای طبیعت و یا به حکم قانون مورد داد و ستد قرار گیرد، حقوق مالی بر آن مرتب شده می تواند. " از ماده فوق چنین استنباط می گردد که اثبات حقیقه به مقتضای طبیعت و یا به حکم قانون مورد داد و ستد قرار گیرد حقوق مالی بر آنها مرتب شده نمی تواند. طوری که ماده ۴۷۴ قانون مدنی در زمینه چنین مشعر است: " اثبات حقیقه به حکم قانون مورد داد و ستد قرار گرفته نمی تواند عبارت از اثبات حقیقه که حقوق مالی بر آن قانوناً مرتب شده نمی تواند. " از نظر فقه آنچه که بدست آورده شود و یا آنچه در ملک کسی باشد. آنچه که ارزش مبادله را داشته باشد. هر آنچه را که انسان می تواند استفاده نماید و قابل تملیک باشد مال است. از

معنی لغوی فوق چنین نتیجه برمی آید که آنچه در تصرف انسان قرار نداشته باشد مال محسوب نمی گردد. مانند پرنده در هوا، ماهی در آب و معادن در بطن زمین.

اصطلاح مال: از نظر علماء حقوق مال عبارت است از هر چیزی که قابل استفاده، ذخیره بوده و دارای ارزش معاملاتی باشد.

از نظر فقهاء در مورد مال دو تعریف وجود دارد:

نظر اول: مال عبارت است از هر آنچه که تصرف و حیات آن ممکن و به طور عادی از آن استفاده شده بتواند.

بنابر تعریف فوق مال بودن مقتضی موجودیت دو عنصر می باشد.

۱- امکان حیات و تصرف را داشته باشد. پس آنچه که در تصرف و حیات واقع نه شود و تصرف آن ممکن نباشد مال نیست.

مثلاً مورمغنی از قبیل علم، صحت، شرف، هوا و غیره

۲- انتفاع از مال عادتاً ممکن باشد. پس آنچه که انتفاع از آن ممکن نباشد مانند گوشت خود مرده، طعام فاسد شده و یا آنچه که امکان استفاده لازم بوجه معتاد از آن ممکن نباشد. مثل دانه برنج، دانه گندم مال شمرده نمی شود.

زیرا به تنهایی از آن استفاده شده نمی تواند. همچنان استفاده از یک چیز حرام در حالت مخمسه حکم مال را بوجود نیاورده حالت استثنای را می داشته باشد.

۳- نظردوم: مال عبارت است از هر شیئی ذی قیمتی که تلف کننده آن ضامن تلقی شده باشد مال نامیده می شود.

کمک های کشور کانادا به وزارت عدلیه افغانستان

گزارش گر: شفیق الله نبی زاده



روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۲ کشور کانادا به ادامه سایر همکاری هایش با وزارت عدلیه یکبار دیگر یک تعداد وسایل اداری را که شامل سه پایه ایرکندیشن، دو پایه جاروب برقی، چهار دستگاه ذخیره برق، ۳۵ عدد کارت ریج کمپیوتر، ۱۳ پایه چوکی دفتری، چهار پایه الماری، ۳۰ عدد سه ساکته برق و یک تعداد قرطاسیه باب میشود به ریاست تقنین وزارت عدلیه اهدا نمود. در محفل که به همین مناسبت در تالار کنفرانس های وزارت عدلیه دایر گردیده بود محترم قانونوال سید یوسف حلیم معین اداری وزارت عدلیه، خانم گریسلی و جولین فرانکس از سفارت کانادا و یک تعداد

طلاق خه ته وائی؟

محمد عارف صباح

که چیری د عدت په مودی کی سړی خپلی بنځی ته رجوع ونکره دا طلاق د رجعی حالت څخه خارجیری او سړی د عدت د مودی څخه وروسته بنځی ته رجوع نشی کولای.

ب: حسن سنی طلاق: د هغه طلاق څخه عبارت ده چې بنځه په هر طهر کی په یوه طلاق سره طلاق شی دا په داسی حال کی چې بنځه وطی شوی وی که چیری وطی شوی نه وی گر چې بنځه په حیض کی هم وی دا ډول طلاق یو طلاق کنل کیږی.

د مثال په توگه: سړی خپله بنځه چې د حیض څخه پاکه شوی او وطی هم کړی وی په هر طهر کی یو ځل طلاقه کړی دا ډول طلاق ته حسن طلاق وائی. بدعی طلاق هم په خپل وار سره په دوه برخو ویشل شوی ده ۱- د عدت په لحاظ طلاق ۲- د وخت په لحاظ طلاق.

الف: د عدت په لحاظ بدعی طلاق: د هغه طلاق څخه عبارت ده چه سړی خپله بنځه په دري طلاقونو سره یا په یوه طهر کی دري طلاقونه په جدا توگه طلاقه کړی.

ب: د وخت په لحاظ بدعی طلاق: دا ډول ده چې سړی خپله بنځه د حیض یا د طهر په هغه حالت کی چې وطی را منیخته شوی وی طلاقه کړی.

طلاق د الفاظو له اړخه: دوه ډوله ده

۱- صریح طلاق

۲- کنایه طلاق.

صریح طلاق: هغه لفظ او کلمه ده چې د طلاق معنی لري او د طلاق مفهوم د هغه څخه تر لاسه کیږی. مثلاً سړی خپلی بنځی ته ووائی چې ته طلاقه ئی یا دا چې ته ما طلاقه کړی یا دا چې سړی خپلی بنځی ته ووائی ته په ما حرامه ئی پاتی برخه په ۲/۳ مخه کی

طلاق د اسلام په مقدس دین کی د ټولنیز وارتیاو څخه د ضرورت په حیث پیژندل شوی اړتیا ده. مگر دا چې د دغه عمل څخه بده کته ترسره نشی څه اندازه مقرررات پدی هکله وضع شوی دی ترڅو په ټولنیز ډول د دغه عمل بدی پایلی په بنځه، نارینه حتی په ماشومانو بده اغیزه ونکړی. کوشش داده چې بنځه او نارینه باید د دغه کار څخه لاس واخلی څرنگه چې الله تعالی په مبارک قران کی فرمایي: که چیری خپلو بنځو سره مینه نه لري بیا هم دوی مه طلاقوی ځکه امکان لري (کیدلای شی) هغه کار چې تاسو ئی بد کنی الله تعالی په دغه کار کی ډیری بنیکنی اچولی وی.

پیغمبر (ص) پدی هکله فرمائی: الله تعالی د خمکی په سرد طلاق څخه بد شی نه ده پیدا کړی

د طلاق تعریف:

۱- طلاق عبارت دی صحیح زوجیت د رابطی د منحل کولو څخه په حال یا راتلونکی وخت کی د میره او بنځی تر مینځ، په داسی الفاظوسره چه په صریحه توگه ورڅخه طلاق افاده شی. مدنی قانون (۱۳۵) ماده د طلاق کلمه اسم او مصدر ئی تطلیق استعمال شوی طلاق په لغت کی د نکاح د قید پورته کیدو ته وائی په خاص (خانکری) الفاظو سره چې د طلاق مفهوم او معنی د هغه څخه تر لاسه شی.

طلاق د صفت په اعتبار په دوه برخو. (سنی طلاق او بدعی طلاق): سنی طلاق هم په خپل وار سره په دوه برخو (احسن او حسن طلاق) سره ویشل شوی ده

الف: سنی احسن طلاق: هغه طلاق ته وائی چې طلاق د بنځی د طهر وروسته په داسی وخت کی چې وطی نه وی ترسره شوی. دا ډول طلاق ته یو طلاق وائی

میره شخص کولای شی چې د عدت په مودی کی خپلی بنځی ته رجوع وکړی. د مثال په توگه: یو سړی خپله میرمن چې د حیض څخه پاکه شوی، او د هغی سره ئی جنسی مقاربت نه وی کړی طلاقه کړه د هغه مودی پوری چې د بنځی د عدت موده ده سړی کولای شی خپلی بنځی ته رجوع وکړی

اطلاعیه وزارت عدلیه

بمنظور ایجاد شفافیت در اجراءات منسوبین وزارت عدلیه و نظارت بهتر در زمینه و برابری دسترسی عامه مردم به عدالت رسیدگی به موقع شکایات، وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان به همکاری شرکت مخابراتی افغان بیسیم سیستم IVR را در وزارت عدلیه نصب نموده و این دستگاه آماده بهره برداری گردیده است.

هموطنان عزیز ما میتواند شکایات شان را مستقیماً با استفاده از تلفون های موبایل خویش به دستگاه سام گیر به شماره (۲۰۳۰) ارسال و ثبت نمایند.

وزارت عدلیه شکایات را به اسرع وقت ممکن مورد رسیدگی قانونی قرار داده

وانشاء الله نتایج آن راهموطنان عزیز ما شاهد خواهند بود.

وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

